

■
پنجمنشہ مقالات پوزیشنری

بررسی آراء و اندیشه‌های امام ابوحنیفه

نویسندگان: محمد یوسف ارباب - عبدالحمید رحیمی - احمد پاکتچی
عبدالصمد مرتضوی - عبدالعزیز نعمانی - نادر کریمیان
تنظیم و گردآوری: موسیٰ عزیز

■



نویسنده‌گان: محمد یوسف ارباب - عبدالحمید رحیمی - احمد پاکتچی - عبدالصمد مرتضوی - عبدالعزیز نعمانی - نادر کریمیان / عزیز، موسی، ۱۳۵۶ گردآورنده
مجموعه مقالات پژوهشی بررسی آراء و اندیشه‌های امام ابوحنیفه.
تهران: احسان، ۱۳۹۰.

۲۳۲ ص. ISBN:978-964-356-729-3

فیفا

ابوحنیفه، نعمان بن ثابت، ۸۰-۱۵۰ ق. -- نقد و تفسیر.

مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

تهران حنفی -- سرگذشتنامه

احیاء (اهل سنت)

۱۳۹ ۱۴۹/۵ الف ۴۲ BP ۹۹۷/۹۹۴۲

کتابخانه ملی ایران ۰۰۸۸۳۸۱

مجموعه مقالات پژوهشی بررسی آراء و اندیشه‌های امام ابوحنیفه

+ مؤلفان: محمد یوسف ارباب، عبدالحمید رحیمی، احمد پاکتچی،

عبدالصمد مرتضوی، عبدالعزیز نعمانی، نادر کریمیان

+ تنظیم و گردآوری: موسی عزیز

+ ناشر: نشر احسان

+ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

+ چاپخانه: مهارت

+ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

+ قیمت: ۳۸۰۰ تومان

+ شابک: ۳-۷۲۹-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸



فروشگاه:

تهران، خ. انقلاب، روبروی دانشگاه.

مجموع فروزنده، شماره ۲۰۹

تلفن: ۶۶۵۵۱۲۰

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه گردآورنده
	ابعاد شخصیتی امام ابوحنیفه (محمدیوسف ارباب) ۲۱
۲۳	چکیده
۲۳	امام ابوحنیفه و منطقه احسانش از
۲۵	تحصیل و اساتید امام ابوحنیفه
۳۰	عوامل مؤثر بر اندیشه فقیر امام ابوحنیفه
۳۰	روش و ویژگیهای فقه حنفی با فقه اهل رای
۳۶	مسائل اعتقادی امام ابوحنیفه
۳۹	موضع گیری و باورهای سیاسی امام ابوحنیفه
۴۳	امام ابوحنیفه در جایگاه جرح و تعدیل
۴۵	امام ابوحنیفه در چند جمله
	آرا، و اندیشه های فقهی، اصولی، کلامی و سیاسی امام ابوحنیفه
	(عبدالحمید رحیمی) ۴۹
۵۱	نسب ابوحنیفه
۵۲	برآمدن ابوحنیفه
۵۳	عراق، مرکز کلهور فرقه ها و مذاهب گوناگون
۵۴	گرایش به علم و علما،
۵۵	برآگیری عمیق فقه
۵۶	در سحنه علم و فقه
۵۹	سازگاری ابوحنیفه نزد یک استاد
۶۰	ابوحنیفه به عنوان یک استاد
۶۱	ابوحنیفه و استنباط احکام
۶۲	ابوحنیفه حکیم
۶۶	بر روی از مسلمات و ویژگی های ابوحنیفه
۷۳	سجود امرار معاص امام
۷۷	عوامل وضع سیاسی ابوحنیفه

۸۷	فقه ابوحنیفه
۸۷	اصول مذهب فقهی امام
۹۱	ویژگی‌های ممتاز فقه ابوحنیفه
۹۳	فقه آزادی خواه
۹۴	زن بالغ عاقل برای ازدواج
۹۶	انسان عاقل محجور نمی‌شود
۹۸	بدهکار محجور نمی‌شود و مالک از تصرف در ملک خود، بازداشته نمی‌شود
۱۰۰	گسترش مذهب امام ابوحنیفه
۱۰۲	رشد و توسعه مذهب حنفی و انتشار آن
۱۰۳	سرزمین‌هایی که مذهب حنفی در آن گسترش یافته است
	خطوط کلی در استنباطهای فقهی و اصولی امام ابوحنیفه
	(دکتر احمد پاکتچی) ۱۰۷
۱۰۷	دو بعد شخصیتها
۱۰۸	موجهای جهان اسلام
۱۰۹	نیارایانی امام ابوحنیفه
۱۱۴	مبانی نظری فقه امام ابوحنیفه
۱۱۵	آزادی فردی در فقه امام ابوحنیفه
۱۱۷	احکام تمبیدی و احکام مبتنی بر مصلحت
۱۱۹	قلمرو قیاس در فقه امام ابوحنیفه
۱۱۹	بررسی و نقادی مناظره امام ابوحنیفه و امام جعفر صادق
۱۲۲	سوالات
۱۲۷	اجتهاد امام ابوحنیفه (مؤلف: مولانا عبدالرحمان سربازی)
۱۲۹	مقدمه
۱۳۱	اصحاب حدیث و اصحاب رای
۱۳۴	کوفه و علم حدیث
۱۳۶	امام اعظم (ره) در آئینه علم حدیث
۱۳۸	تابعی بودن امام اعظم
۱۳۹	استاد بزرگ امام اعظم
۱۴۰	شاگردان جلیل القدر امام اعظم
۱۴۲	کتاب الآثار
۱۴۶	تحقیقی منصفانه و عادلانه بر اعتراضات وارده علیه امام ابوحنیفه

بررسی شبهاتی چند درباره امام ابوحنیفه (عبدالممد سرتسوی) ۱۵۷

۱۵۹	حکیده
۱۶۱	مقدمه
۱۶۳	شبهه اول: ابوحنیفه و قبول تنبیه ۱۷ حدیث
۱۶۵	شبهه دوم: کم بضاعت بودن ابوحنیفه در حدیث
۱۶۶	شبهه سوم: ابوحنیفه متکبر و مخالف حدیث
۱۶۷	مهم ترین خواننده که موجب شد تا برخی ابوحنیفه را متهم به بی توجسی به حدیث نمایند.
۱۸۳	امام ابوحنیفه و علم حدیث (عبدالعزیز نعمانی)
۱۸۷	نام و نسب
۱۸۸	کوفه مرکز علم و دانش
۱۸۹	مقام امام ابوحنیفه در علم حدیث
۱۹۳	اصحاب رأی و اصحاب حدیث
۱۹۹	آرا و اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه (دکتر نادر کریمیان)
۲۰۱	چکیده
۲۰۳	مقدمه
۲۰۴	ظهور فرقه‌ها و آرا. کلامی
۲۰۸	کوفه محل تولد و رشد شخصیت ابوحنیفه
۲۰۸	گسترش و نفوذ شخصیت امام ابوحنیفه
۲۰۹	امام ابوحنیفه نخستین مدافع رسمی و نخستین تدوین کننده اصول و عقاید اهل سنت
۲۱۰	آثار کلامی امام ابوحنیفه
۲۱۱	۱- ابناء و اسلام
۲۱۳	۲- گناه مؤمن و عواقب آن
۲۱۵	۳- مشیت الهی و اختیار انسان
۲۱۶	۴- عرش خداوند
۲۱۸	۵- رؤیت خداوند
۲۱۹	۶- کلام خداوند (قرآن)
۲۲۰	۷- مقام و منزلت خلفای راشدین
۲۲۱	۸- مقام و منزلت صحابه بیانبر اکرم
۲۲۲	۹- اقتدا در نماز و امامت و خلافت فاسق
۲۲۹	کتابنامه و فهرست منابع

بسمه سبحانه

زحمات و تحقیقات نویسنده عزیز و محقق ارجمند جناب آقای موسی عزیزی قابل تقدیر و ستایش است. مقالات افاضل و دانشمندان بزرگوار نسبت به امام ابیحنیفه رحمه الله که توسط ایشان جمع آوری شده است به طور اختصار و نگاهی کوتاه مورد بررسی قرار گرفت. خوب و عالی است. امیدوارم با کمال دقت، تحقیق عمیق و جامع تحت عنایات حق تعالی جل شانہ این خدمت اسلامی را به پایان رسانده. موفق گردد.

لازم به یادآوری است که چون پرداختن به موضوع فوق یکی از نیازهای مهم روز است، ارزش این مجموعه بسیار بالا و جایگاهش فوق العاده عالی است. از خداوند منان قبولیت این اثر ارزشمند را مسئلت می نمایم.

مولوی عبدالرحمن سربازی

۸۶۹۱۷

مقدمه گردآورنده

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه و نور عرشه سيدنا محمد و على آله و صحبه اجمعين.

خداوند تبارک و تعالی پیامبر خویش را برای هدایت و تبلیغ دین حق، ارسال و به همراه وی قرآن را نازل کرد تا بر اساس آنچه در آن بیان شده است، بین مردم داوری و قضاوت و احکام نازل شده او را برای مردم بیان نماید. با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوت و رسالت ختم گردید و شریعت وی آخرین دین و شریعت قرار داده شد که این شریعت، همیشگی و مناسب هر زمان و مکان و متضمن قواعدی اساسی است که متکفل بقاء و دوام اهل زمین و کسانی است که وارث آن قرار می‌گیرند.

امت اسلامی در دوران بعثت نبوی، احکام شرعی و مسائل دینی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرا می‌گرفتند؛ چرا که ایشان منبع پاسخگویی به سؤالات و مرجع اختلاف آراء و دیدگاهها بود.

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصحاب باوفاي ایشان، پرچم دین و دعوت را انتشار دادند و بر اساس دو مصدر تشريع یعنی قرآن و سنت به تعلیم امور دین به مردم و استنباط احکام، پرداختند. در این دوران به مرور با گسترش فتوحات اسلامی و کثرت وقایع و حوادث، آنان جهت استنباط احکام شرعی، علاوه بر استفاده از کتاب و سنت، مجبور شدند تا بر اساس فهم و درک خویش از نصوص شرعی، به اجتهاد و افتاء همت گمارند و به اصطلاح از «رأی» خویش بهره گیرند.

بعد از صحابه، تابعین و تبع تابعین ظهور کردند که خود را وقف دین و تبیین احکام آن، برای مردم نمودند و با استمداد از کتاب و سنت و اقوال و آراء صحابه، قواعد و اصولی را وضع کردند، اما بر اثر اختلاف دیدگاهها و نظرات آنان، از نصوص به جای مانده، آراء و دیدگاههای متفاوتی در مورد مسائل به وجود آمد و نتیجه طبیعی این حرکت و اختلاف نظر علمی، ظهور و پیدایش مذاهب فقهی بود.

مذهب حنفی نیز یکی از این مذاهب فقهی مشهور است که در مقایسه با مذاهب فقهی دیگر، بیشترین انتشار را در میان ملتها داشته است. منشأ شکل‌گیری این مذهب را می‌توان کوفه و بغداد دانست، جایی که بنیانگذار این مذهب یعنی امام ابوحنیفه رشد و نمو یافت. این مذهب هرچند به وسیله امام ابوحنیفه پایه ریزی شد، اما در واقع اصول و قواعد آن به وسیله شاگردان ایشان یعنی امام ابو یوسف و امام محمد بن حسن شیبانی مدون گردید.

تاریخ شکل‌گیری فقه حنفی در واقع به دهه‌های نخستین اسلام باز می‌گردد. بعد از فتح عراق و تأسیس شهر کوفه، در حدود سال ۱۷ هجری قمری به دستور حضرت عمرؓ و توسط سعد بن ابی وقاص، جهت اردوگاهی نظامی برای تمشیت فتوحات و همچنین کافی نمودن آبادیهای مختصر شبه جزیره عربستان برای رشد و ترقی اعراب این شهر به عنوان دارالهجره و قرارگاه مسلمانان، قرار گرفت.

حضرت عمرؓ برای ۱۲۰۰ نفر یمنی و ۸۰۰ نفر نزاری که در کوفه سکونت گزیده بودند، حقوق تعیین کرد و در دوران حضرت علیؓ ۱۰۵۰ صحابی که ۲۴ نفر آنان از اهل بدر بودند در آنجا سکونت گزیدند که در جای جای کوفه به ذکر حدیث و روایات پرداختند. دیری نگذشت که این شهرت نظامی توسعه یافت و روز به روز بر جمعیت، ثروت و اهمیتش افزوده شده و به شهری بزرگ تبدیل گشت. انتخاب این شهر به عنوان پایتخت خلافت اسلامی از سوی حضرت علیؓ بر جایگاه کوفه و شهرت این شهر افزود.^۱

۱. کوثری، محمد زاهد، *فقه اهل العراق و حادیثهم*، جده، دارالقبلة، ۱۹۹۷، ص ۵۱؛ شبلی، نعمان، *سیمای امام اعظم*، مترجم عبدالوهاب ملازایی، تربت جام، آوای اسلام، ۱۳۸۶، ص ۴۷؛ اردوش، محمد حسین، جایگاه امام اعظم در فرهنگ و تمدن اسلامی، تاجیکستان، بین‌المللی مکالمه فرهنگ‌ها، ۱۳۸۸، ص ۲.

بنابراین، کوفه زادگاه امام ابوحنیفه از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام در دهه‌ها و قرن‌های نخستین هجری به شمار می‌رفت. حضرت عمر^۱ کوفه را «سید الامصار» و «جسمة العرب» و حضرت علی این شهر را «کنز الایمان»، «جسمة الاسلام» و «قبة الاسلام» می‌نامید و بر اساس روایتی که از ایشان نقل شده است ایشان کوفه را «کنج ایمان و مرکز اسلام و شمشیر و نیزه خداوند می‌دانند که هر کجا بخواند، می‌نهد و می‌فرمایند: سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، خداوند متعال مردم کوفه را در مشرق و مغرب یاری می‌کند؛ چنانکه در «حجاز یاری کرد»^۲

به هر حال بعد از بنای شهر کوفه در سال ۱۷ هجری قمری، حضرت عمر، عبدالله بن مسعود را برای آموزش قرآن کریم و حل مشکلات فقهی مردمان این شهر، به آنجا فرستاد. جایگاه و مقام علمی عبدالله بن مسعود در میان صحابه زبانزد خاص و عام بود؛ به گونه‌ای که حتی حضرت عمر نیز از علم وی بی‌نیاز نبود. حتی در ارتباط با منکرات علمی ابن مسعود چندین روایت از پیامبر نقل شده است که از جمله می‌توان به روایات «من اراد ان یقرأ القرآن غصاً کما انزل، فلیقرأ علی قراءة ابن مسعود»^۳ و «انی رضیت لانی ما رضی لها ابن ام عبد»^۴ اشاره نمود.

به این ترتیب ابن مسعود از ابتدای بنای شهر کوفه تا اواخر خلافت حضرت عثمان^۵ مشغول تعلیم قرآن و آموزش فقه بود. علاوه بر ابن مسعود ادب دیگری از جمله: سعد بن مالک، سعد بن ابی وقاص، خزیمه، عمار، سلمان فارسی ابوموسی اشعری و صحابه‌های دیگری در کوفه حضور داشتند و با انتقال خلافت از مدینه به کوفه در دوران خلافت حضرت علی بر مقام علمی این شهر

^۱ باقری نجفی، سید حسن، تاریخ کوفه، مترجم سعید راز رحیمی، مشهد، انتشارات قدس، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰.

^۲ باقری، الانصاف، ج ۱، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۸؛ ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، ابوالفضل محمد بن علی، آسان السیران، ج ۱، بیروت، مؤسسه علمی انتشارات، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷، ترجمه از رحمن صالح دانسته است.

^۳ پرهان قوری، علاء الدین علی السقنی بن حسام الدین الهندی، کرم‌الله فی حسن الاقمار و الانصار، ج ۱، تحقیق سیح بکری حیاتی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳، حدیث شماره ۳۳۵۵۹، ص ۷۱۱، قاسم بن عبدالرحمان آن را از پدرش به صورت مرسل روایت نموده است.

افزوده گشت. حضرت علی با مشاهده وضعیت علمی کوفه از نظر فقاہت و تعلیم قرآن، درباره ابن مسعود می‌فرماید: «رحم الله ابن ام عبد قد ملا هذه القرية علماً»^۱ به این دلیل بسیاری از صحابه برای تعلیم و یادگیری قرآن و فقه به کوفه مهاجرت کردند، به گونه‌ای که تعداد صحابی کوفه را ۱۵۰۰ نفر برشمرده‌اند.

مسروق بن اجدع که از تابعین بزرگ است می‌گوید: علم و دانش اصحاب پیامبر به ۶ نفر رسیده است. این ۶ نفر عبارتند از: علی، عبدالله، عمر، زید بن ثابت، ابی درداء، ابی بن کعب. سپس دریافتیم که علوم این صحابه به ۲ نفر یعنی علی و عبدالله بن مسعود منتهی گردیده است. پس می‌توان گفت خلاصه علوم و معارف صحابه در کوفه جمع شده بود.^۲

شمار کسانی را که از عبدالله بن مسعود علم آموخته‌اند، ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان عبیده بن قیس سلمانی متوفی ۷۲ هجری؛ عمرو بن میمون الاودی متوفی ۷۴ هجری؛ زربین حبیش متوفی ۸۲ هجری؛ ابو عبدالرحمان عبدالله بن حبیب سلمی متوفی ۷۲ هجری؛ سوید بن غفله المذحجی متوفی ۸۲ هجری؛ علقمه بن قیس نخعی مرغای ۶۲ هجری که عبدالله بن مسعود درباره او گفته است: «من چیزی نمی‌دانم مگر اینکه آن را علقمه می‌داند»؛ مسروق بن اجدع متوفی ۶۳ هجری را نام برد.

اشخاصی که ذکر گردید، علاوه بر اینکه از ابن مسعود علم آموختند، حضرت عمر و حضرت عایشه را نیز ملاقات نمودند و از آنان نیز علم آموختند، اما بعد از این اشخاص، افرادی وجود دارند که علی و عبدالله مسعود را در نیافتند، اما از این دو علم آموختند که از جمله این افراد می‌توان ابراهیم بن یزید نخعی را نام برد. وی از کسانی بود که از علقمه بن قیس، علم زیادی قراگرفت. ابراهیم نخعی کسی است که به گفته ابونعیم، ابوسعید خدری و عایشه را دریافته است. عامربن شراحیل شعبی درباره ابراهیم می‌گوید: ابراهیم بر علمای تمام بلاد برتری دارد. ابن عبدالبر در التمهید می‌گوید: علما و ناقدین حدیث به خاطر

^۱. مکی، موفق بن احمد، مناقب ابی حنیفه، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۱، ص ۳۹۷.

^۲. سیوطی، جلال الدین ابوالفضل عبدالرحمان ابی بکر، تبیيض الصحیفه بمناقب الامام ابی حنیفه، تحقیق عبدالرحیم غالب کحاله، دمشق، دارالبشائر، ۱۴۱۳، ص ۱۶.

اهمیتی که برای ابراهیم قائلند، احادیث، مرسل او را صحیح می‌دانند و حتی احادیث مرسل وی را بر احادیث مسندش برتری می‌دهند.^۱

بعد از ابراهیم نخعی، حماد بن ابی سلیمان، استاد فقه کوفه گردید که در واقع می‌توان امام ابوحنیفه را هم در منابع نقلی و هم در شیوه‌های اجتہادی ایشان، تا حد زیادی مرهون تعالیم این استاد فقه کوفه دانست که پس از درگذشت ابراهیم نخعی، در سال ۹۶ هجری، مدار فتوا و تدریس فقه گردیده بود.

هر چند امام ابوحنیفه از اساتید بسیار زیادی علم آموخت، که از جمله آنان می‌توان از عامر شعبی، ابواسحاق سبیعی، عاصم بن ابی النجود، قیس بن مسلم، حکم بن عتیبه، علقمه بن مرثد به عنوان اساتید کوفی و از ربیعۀ بن ابی عبدالرحمان از فقهای اهل رأی مدینه و عطاء بن ابی رباح فقیه مکه، نام برد، اما مهم‌ترین استادی که امام ابوحنیفه تحت تاثیر افکار و اندیشه‌های وی قرار گرفت و مدت ۱۸ سال در مکتب وی علم آموخت و ملازمت وی را نمود، حماد بن ابی سلیمان بود.^۲

بعد از درگذشت ابراهیم نخعی در سال ۹۵ هجری، حماد که از برجسته‌ترین شاگردان وی بود، عهده‌دار مسند تدریس استاد خویش گردید و تا سال ۱۲۰ هجری که وفات نمود، همچنان عهده‌دار این مسئولیت بود.

امام ابوحنیفه، پس از درگذشت حماد بن ابی سلیمان، به عنوان برجسته‌ترین شاگرد حلقۀ او مرجع صدور فتوا و تدریس فقه در کوفه گردید و از جایگاه اجتماعی و ویژه‌ای برخوردار گشت. در فاصله سالهای ۱۲۱ تا ۱۳۲ ق که حکومت اموی و افسین سالهای خود را می‌گذراند، امام ابوحنیفه به عنوان فقیهی مخالف با فساد دستگاه حکومت، با دیدگاههای اعتقادی خاص خود، بسیار مورد توجه جناحهای مخالف حکومت، غیر از خوارج، قرار گرفت.^۳

^۱ فقه اهل العراق بر حادیثهم، صص ۵۹-۵۱؛ غازی، صص ۳۵-۳۰؛ عثمانی، محمد تقی، درس ترمذی، ترجمه محمد رضا رخشانی، زاهدان، دارالعلوم زاهدان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۰-۱۰۸، و فاریسی، محمد، المذهب الاسلامی الخمسه، بیروت، الفدیر، ۱۴۱۹، ص ۲۰۸.
^۲ بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج ۱۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷، ص ۳۲۵؛ ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، مناقب الامام اعظم بر صاحبیه، تحقیق محمد زاهد کوثری و ابوالوفاء افغانی، حیدرآباد، احیاء المعارف الشعمانیه، بی تا، ص ۱۹، وفاریسی، صص ۲۳۱-۲۲۱، پاکتچی، حماد، ابو حنیفه، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۱.

علاوه بر آن امام ابوحنیفه در این دوره به عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های فقه کوفه، به تبیین نظرات و دیدگاه‌ها و شیوه‌های استنباط خویش در فروع فقهی پرداخت و با اینکه جو علمی کوفه، چندان با دیدگاه‌های ایشان همخوانی نداشت، اما جذابیت حلقه درس ایشان بسیاری از طالبان علم را از اقصای نقاط سرزمین اسلامی به این سرزمین کشاند؛ چرا که امام ابوحنیفه آزاد اندیشی را در فقه ترویج می‌کرد و هرگز کسی را به تقلید ناآگاهانه از دیدگاه‌های خویش فرا نمی‌خواند.

در عبارتی که زفر بن هذیل از امام ابوحنیفه نقل کرده، ایشان صریحاً ابراز داشته است که بر کسی حلال نیست بدون آنکه دلیل ایشان را در صدور فتوایی بدارد، صرفاً بر پایه تقلید از ایشان فتوا دهد. ایشان با چنان تأکیدی، این آموزه را به اصحاب خود القا نموده که تا نسلها بعد، پیروان ایشان تقلید عالمی از عالم دیگر را بدون آگاهی از منای حکم حرام می‌شمردند.^۱

مقایسه‌ای بین فقه امام ابوحنیفه و شاگردان ایشان آشکارا نشان می‌دهد که آنان هرگز مقلد امام ابوحنیفه نبوده‌اند و به سان مجتهدانی به استنباط مستقیم احکام از منابع آنها می‌پرداخته و در پاره‌ای از موارد بر خلاف نظر استاد خود، نظر می‌داده‌اند.^۲

از نظر گسترش جغرافیایی باید توجه داشت که وجود شاگردانی از سرزمینهای مختلف در حلقه درس امام ابوحنیفه عاملی بود که فقه ایشان چه در زمان حیات ایشان و چه بعد از آن در نقاط دور و نزدیک تبلیغ گردد.^۳

بنابراین، بر اساس آنچه بدان پرداخته شد، امام ابوحنیفه یکی از شخصیت‌های متحول ساز تاریخ بشری است؛ چرا که نه تنها در دوران حیات ایشان، آراء و اندیشه‌های ایشان گسترش و نفوذ خاصی داشت؛ بلکه بعد از وفات ایشان یعنی از سال ۱۵۰ هجری قمری، همچنان شاهد گسترش تعداد پیروان این مذهب فقهی هستیم، به گونه‌ای که پیروان این مذهب، بیشترین جمعیت مسلمانان را به خود اختصاص داده است.

^۱. قرشی، ابوالوفاء، الجواهر المضية، ج ۱، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، حیدر آباد دکن. مجلس دایره المعارف نظامیه، ۱۳۳۲، ص ۳۴۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۸۱.

^۲. همان، ص ۴۰۰.

^۳. صیمری، ابو عبدالله حسین بن علی، اخبار ائمه حنیفه و اصحابه، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵، ص ۱۱۰.

هر چند سخن گفتن و بررسی آراء و اندیشه‌های اندیشمندان و متفکران و تحول‌سازان تاریخ بشری، امری دشوار و خطیر است، اما این امر، نباید ما را از بررسی و کنجکاوی و بحث و مباحثه درباره آراء و اندیشه‌های آنان باز دارد. تا کنون کتابهای متعددی در ارتباط با زندگانی امام ابوحنیفه به رشته تحریر درآمده است، اما نبود کتابی به زبان فارسی که بتواند به طور جامع به بررسی آراء و افکار و دیدگاههای ایشان بپردازد، ما را بر آن داشت تا درصدد جبران این کمبود بربیاییم و از تخصص و نوشته‌های صاحبزنان این حوزه، استفاده نماییم و نتیجه آن کتابی گردید که در اختیار دارید.

لازم به ذکر است که سرمنشأ اصلی جمع‌آوری این مجموعه مقالات، سمیناری بود که با عنوان: بررسی آراء و اندیشه‌های امام ابوحنیفه در دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار گردید.

در پایان برخود لازم می‌دانم از مسئولان محترم دانشگاه مذاهب اسلامی که با آگاهی و منشی خاص به مسائل اعتقادی مذاهب اسلامی می‌پردازند؛ همچنین از اساتید محترم: مولوی اسحاق منشی مدیر محترم گروه فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی، مولانا عبدالرحمان سربازی، مولوی نذیر احمد سلامی، دکتر احمد پاکتچی، دکتر نادر کریمیان، مولوی عبدالعزیز نعمانی، عبدالصمد مرتضوی، مولوی شرافتمند، عبدالحمید رحیمی و کلیه کسانی که مشوق اینجانب در تمامی صحنه‌های علمی هستند، خصوصاً پدر و مادر عزیز و مهربانم؛ برادران خوبم به خصوص جناب مولوی غیاث الدین عزیزی و جناب آقای غلام فاروق کتابی و همچنین از صبر و حوصله همسر و فرزندان نازنینم خانه جان و طاهای عزیز در مدت تدوین این مجموعه، تشکر و قدردانی نمایم و ان شاء الله به زودی در مجموعه‌ای مستقل به ویژگیهای فقه حنفی و تأثیر این ویژگیها در گسترش این مذهب در بلاد ماوراء النهر خواهیم پرداخت.

در پایان از زحمات و پیکیریه‌های مستمر مسئولین محترم نشر احسان به خصوص جناب استاد عبدالرحمان یعقوبی جهت نشر و چاپ این کتاب، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند برای تمامی آنان، صحت و سلامتی را آرزو دارم.

با تشکر و احترام

موسی عزیزی